

وزارت امور خارجه ایران و حفاظت از کلیمیان ایرانی مقیم بالکان و فرانسه ویشی در جنگ جهانی دوم (۱۳۲۵-۱۳۲۰ ش.)

رضا آذری شهرزائی^۱

چکیده

بی تردید در تاریخ وزارت امور خارجه ایران، رویدادهای متعددی را می توان مشاهده کرد که تاکنون مجالی برای پرداختن به آن نبوده است. نجات اتباع ایرانی به ویژه کلیمیان از خطرات جنگ و نازیسم یکی از مأموریت های وزارت امور خارجه ایران در آن برهه زمانی است. در سال های اخیر، روایت های ناقص و یک سویه ای در باره نجات کلیمیان ایرانی در اروپا ارائه شده است؛ به گونه ای که نجات کلیمیان ایران را ناشی از اقدامات یک فرد و آن هم تنها در حوزه جغرافیایی فرانسه دانسته اند. این مقاله با مراجعه به اسناد، سعی دارد که روایت دیگری ارائه دهد، زیرا تلاش برای نجات اتباع ایرانی به ویژه کلیمیان، تنها به فرانسه اختصاص نداشت، که در بالکان نیز اتباع ایران با خطر نازیسم مواجه بودند و دیگر آنکه وزارت امور خارجه از این خطرات آگاه بود و با تلاش های دیپلمات های خود در اروپا، سعی در دور نمودن خطرات جنگ و نازیسم از کلیمیان ایران داشت.

واژگان کلیدی

ایران، بالکان، فرانسه ویشی، جنگ جهانی دوم، کلیمیان ایرانی، وزارت امور خارجه

جنگ جهانی دوم رویدادی اسفبار بود که پیامدهای دردناک و مصیبت‌آوری داشت و ناخواسته، سهم عظیمی از این پیامدها نصیب ایرانیان شد. اشغال ایران توسط متفقین برای یاری رساندن به روسیه شوروی و تحمیل خسارات مادی و معنوی به ایرانیان و رویداد تجزیه ایران توسط اتحاد جماهیر شوروی از جمله پیامدهای ناخوشایند جنگ برای ایران بود. افزون بر آن، حوادث دردناک دیگری نیز بودند که در سطوحی پایین‌تر برای شهروندان عادی ایران رخ داد و تاکنون مجالی برای بررسی آنان فراهم نشده و ذیل حوادث بزرگ‌تر ناپدید شده‌اند.

در این میان، اقلیتی از کلیمیان ایرانی در بالکان و فرانسه زندگی می‌کردند و دارای کسب و کار بودند که اگر نمایندگی‌های وزارت امور خارجه ایران در اروپا به خصوص سفارت ایران در سوئیس، هشیاری و پیگیری لازم را به عمل نمی‌آوردند، صدها نفر از آنان در اروپا و در اردوگاه‌های مرگ نازی‌ها از بین می‌رفتند. تقلیل و معرفی این اقدام انسانی‌سازمانی و گروهی - که البته با همکاری وزارت امور خارجه سوئد به عنوان حافظ منافع کشورمان در بالکان و وزارت امور خارجه سوئیس در فرانسه و یونان و آلمان صورت می‌گرفت - به اقدام شخصی یک فرد، شاید به لحاظ تاریخی چندان منصفانه و مطابق واقع نباشد، چرا که در سال‌های اخیر و در سایت‌های مختلف خبری، تقدیر از یک دیپلمات ایرانی به نام عبدالحسین سرداری به عنوان ناجی یهودیان ایرانی در فرانسه مطرح شده است و بی بی سی از او به نام شیندلر ایرانی یاد می‌کند (سایت بی بی سی فارسی، ۳۰ آذر ۱۳۹۰) و سایت روز آنلاین به انتشار کتابی تحت عنوان: *در سایه شیر* تألیف فریبرز مختاری پرداخته و از عبدالحسین سرداری به عنوان «ناجی یهودیان ایرانی از دست هیتلر» یاد کرده است (سایت روز آنلاین، ۳۰ اسفند ۱۳۹۰).

نگارنده تلاش دارد که با رجوع به اسناد وزارت امور خارجه ایران در آن دوران، روایتی دیگر از آنچه در باره کلیمیان ایران رخ داده است، بیان کند.

پس از اشغال ايران در سوم شهريور ۱۳۲۰، تغييراتي در روابط ايران با دول محور رخ داد. سفارت سوئد در ايران حافظ منافع دول آلمان، مجارستان، روماني و بلغارستان شد (آرشيو سازمان اسناد ملي ايران، شماره شناسه ۲۹۰۰۰۲۲۲۸ / ۲۹۰۰۰۲۱۳۷ / ۲۹۰۰۰۲۳۹). همچنين دولت سوئد حافظ منافع ايران در بالکان گرديد و سوئيس نيز حافظ منافع ايران در فرانسه ويشي، يونان و آلمان شد. بنايرين، حفظ اتباع ايراني در بالکان و فرانسه از طريق سفارت سوئد در بالکان و در فرانسه ويشي، توسط سفارت سوئيس انجام مي‌شد. با اشغال ايران از سوي متفقين، اتباع کليمي ايران در بالکان و فرانسه مورد اذيت و آزار واقع شدند و جان و مال آنان در معرض خطر قرار گرفت؛ اتباع ايراني نيزمنداقدامات عاجل وزارت امور خارجه ايران در جهت حفظ جان و مال خودشان بودند.

مسائل کليميان ايراني در روماني

سفارت سوئد حافظ منافع اتباع ايراني به ويژه کليميان ايراني بود و وزارت امور خارجه ايران مکاتبات مستمري در خصوص آگاهي از وضعيت آنان به انجام مي‌رساند. سفارت سوئد در ۲۴ اسفند ۱۳۲۰ش. / ۱۵ مارس ۱۹۴۲م. به وزارت امور خارجه ايران اطلاع داد که هيأت دولت روماني، قانوني را تصويب کرده است که اموال غيرمنقول يهودي‌ها را مصادره نمايد و کليه يهودي‌ها بايد اموال غيرمنقول خود را اعلام کنند؛ اين قانون شامل يهوديان خارجي مخصوصاً کليميان ايراني نيز مي‌شد. بنايرين، مأمور سفارت سوئد به وزارت امور خارجه روماني مراجعه کرده و در مورد کليميان ايراني به مذاکره مي‌پردازد. وزارت امور خارجه روماني به مأمور سفارت سوئد اعلام مي‌کند که ممکن است دول ديگر معامله متقابله نمايند و به احتمال قوي در خصوص يهوديان خارجي معافيت صورت مي‌گيرد. بر اين پايه، وزارت خارجه روماني به سفارت سوئد اطمينان مي‌دهد و مي‌خواهد که کليميان ايراني و هلندي که سوئد حافظ منافع آنان است، منتظر تصميمات جديد باقي بمانند تا دستورات جديد صادر شود. مأمور سفارت سوئد براي جلوگیری از خسارات احتمالي تدابييري انديشيده و سؤال مي‌کند که آیا بين

دولت رومانی و دولت ایران پیمان و قراردادی هست که به موجب آن، اموال اتباع طرفین متعاهدین، متقابلاً تضمین شود و آیا رعایت اصل معامله متقابل وجود دارد؟ این دیپلمات سوئدی نگرانی خود را این گونه بیان می‌کند: «ایران با رومانی بعضی از پیمان‌های بازرگانی و اقامت را تکمیل ننموده، بنابراین به یهودی‌های ایرانی در آنجا اجازه داده نمی‌شود از مقررات مخصوص در باب معافیت از قانون ضبط اموال غیرمنقول استفاده کنند. تنها اقدامی که برای این جانب میسر گردید، این بود که تا زمانی که وزارت خارجه رومانی بازرسی‌های لازم را در مورد اتباع ایران تمام نکرده و البته این مدت هم طولانی نخواهد بود، اقدام در ضبط اموال غیرمنقول اتباع یهودی ایران متوقف بشود» (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه: ۱۷ و ۱۶ و ۱۵ - ۷ - ۸ - ۱۳۲۲ ش.).

محمدعلی همایون‌جاه معاون وزارت امور خارجه، خطاب به سفارتخانه‌های ایران در برن و آنکارا، مشکلات یهودیان ایرانی را در رومانی برشمرده و پیش‌بینی‌های لازم برای رفع مشکلات آنها را این گونه بیان می‌کند: «تصور می‌رود این مشکلات در نتیجه نداشتن روابط و عدم وجود قرارداد کنسولی باشد، چون بنا بر اصل مسلم حقوقی اگر دولتی بر اثر حق حاکمیتی که دارد خود را محق در ضبط قسمتی از اموال اتباع کلیمی خود بداند نمی‌تواند به ملاحظات نژادی یا مذهبی اتباع کلیمی دول دیگر را که برای امور تجاری و یا کارهای دیگر در آن کشور اقامت دارند شامل نماید» (همان: سند ۳). او پس از نقد اقدام دولت رومانی، به این دو سفارت مأموریت می‌دهد که «به وسایل ممکنه بازجویی نمایید که در این مورد نسبت به اتباع دول بی‌طرف خصوصاً مصر که وضعیت خاصی را دارد چه رفتار می‌شود و از نتیجه تحقیقات وزارت امور خارجه را آگاه سازید» (همان).

وزارت امور خارجه از قاسم‌زاده مشاور حقوقی وزارتخانه در این خصوص استعلام می‌کند و او پس از بررسی خود اظهار داشت: «حق حاکمیت دول نسبت به اتباع خارجه مطلق نبوده، بلکه محدود به حدی است که اصول و قواعد بین‌المللی مقرر می‌دارد. با توجه به اصول نامبرده، هر دولتی مجاز و مختار است اتباع بیگانه مقیم قلمرو خود را از حق تملک اموال غیرمنقول محروم نموده، آنها را وادار به فروش اراضی مزروعی و

مستغلات خود بنماید، ولی هیچ دولتی حق ندارد که املاک اتباع بیگانه را ضبط نماید و به طریق اولی هیچ دولتی محق نیست به ملاحظات نژادی و مذهبی، املاک پاره از اتباع خارجه را ضبط کند» (همان: سند ۳۱). اما قاسم زاده به لحاظ حقوقی معتقد است که: «دولت رومانی می‌تواند به منظور رومانی‌ژاسیون یعنی استخلاص زندگانی اقتصادی و مالی رومانی از نفوذ یهودی‌ها، اتباع کلیمی دول خارجه را وادار به فروش املاک خود بنماید، ولی به هیچ عنوان مجاز نیست مجاناً و بدون پرداخت قیمت عادلانه، املاک آنها را ضبط کند. اصل مندرجه فوق یک قاعده مطلق بوده و انعقاد قرارداد اقامت یا بازرگانی دیگری و یا بالاخره وجود یا عدم وجود شرط دولت کامله‌الوداد نمی‌تواند اثری در حل و قطع این موضوع داشته باشد» (همان).

بهداری از اداره سوم سیاسی وزارت امور خارجه، طی تلگرامی از سفارت ایران در استکهلم می‌خواهد که موارد حقوقی ذکر شده را برای وزارت امور خارجه سوئد بیان کند و خواهان رفع مزاحمت از اتباع کلیمی ایرانی توسط دولت رومانی شود (همان: سند ۲). در پاسخ، انصاری از سفارت ایران در استکهلم به وزارت امور خارجه ایران طی تلگرامی متذکر می‌شود که: «به قرار اطلاع حاصل از وزارت خارجه سوئد، قوانین رومانی راه حل را در موضوع املاک یهودی‌های اتباع ایران مسدود ننموده، امیدواری دارد موضوع به خوبی حل شود» (همان: سند ۲۹). سفارت ایران در برن طی نامه‌ای در ۴ خرداد ۱۳۲۲ ش. / ۲۶ می ۱۹۴۳ م. به سفارت سوئد در برن از قوانین ضد یهودی دولت رومانی ابراز نگرانی کرده و از دولت سوئد می‌خواهد که یهودیان ایرانی را در قبال این قوانین حفاظت نماید و سفارت ایران در برن را در این خصوص مطلع نمایند (آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه: ۱۳۲۴-۱۳۲۲ ش.، ۱۶۷-۱۰-۵۲). همچنین دکتر قدیمی نوایی، وزیرمختار ایران در برن طی نامه‌ای از سفارت مصر در برن سؤال می‌کند که اتباع یهودی مصری، همانند اتباع یهودی ایرانی، دچار قوانین ضد یهودی دولت رومانی شدند و دولت مصر در قبال این قوانین ضد یهودی دولت رومانی چه تدابیری را اتخاذ کرده است؟ (همان: سند ۵۱) سفارت مصر در برن، در پاسخ به یادداشت سفارت ایران در برن، سفارت سوئیس را حافظ

منافع مصر در بخارست می‌داند و متذکر می‌شود که این سفارتخانه اقداماتی در جهت وارد کردن مصر به لیست بند ۲ تصویب‌نامه دولت رومانی افزوده است که باعث می‌شود اتباع یهودی مصر اموال‌شان مصادره نگردد. سفارت مصر نوید می‌دهد که جزئیات این اقدامات را بعداً به اطلاع سفارت ایران در برن خواهد رساند (همان: سند ۴۳).

دکتر قدیمی نوایی، پس از رایزنی‌های خود با وزارت خارجه سوئد و سوئیس به اطلاع وزارت خارجه ایران می‌رساند که با اقدامات سفارت سوئد در رومانی راجع به یهودیان ایرانی، وضع آنان «فعالاً تا اندازه‌ای بهتر [شده]، چنانکه از امتیازاتی که در این مقررات پیش‌بینی شده است، برخوردار می‌شوند و همواره سفارت سوئد در رومانی هم سعی دارد که در دنباله اقدامات خود بلکه بتواند امتیازات بسیط‌تری برای آنها قائل شود» (همان: ۸۱-۷-۸-۱۳۲۲ش).

سفارت سوئد در رومانی تا زمانی که به اندازه کافی گذرنامه ایرانی در اختیار داشت، به هر شخصی که ادعای تابعیت ایرانی می‌کرد، برای حفاظت از آنان گذرنامه ایرانی در اختیارشان می‌گذاشت و حتی زمانی که گذرنامه ایرانی به اتمام رسید، گذرنامه سوئدی حافظ منافع برای کلیمیان ایرانی صادر می‌کرد. بر طبق گزارش عباس فروهر وزیرمختار ایران در بلغراد، سفارت سوئد در رومانی برای رفع مزاحمت آلمان‌ها خیلی سهل و آسان به هر کسی که ادعای تابعیت ایرانی داشت، پاسپورت می‌داد (همان: ۶۰-۹۰۹-۵۹-۱۳۲۵-۱۳۲۱ش). در دی ماه ۱۳۲۵ مأموریت سفارت سوئد در رومانی برای حفاظت از اتباع ایرانی پایان می‌یابد و عباس فروهر وزیرمختار ایران در بلغراد به منظور بررسی اوضاع اتباع ایرانی به بخارست می‌رود و در خصوص اقدامات سفارت سوئد در رومانی می‌نویسد: «در بوکارست تمام اتباع خودمان را پذیرفتم، دریافتم که تماماً از مسلمان و ارمنی و یهودی فوق‌العاده از زحمات سفارت سوئد راضی بودند، حتی موقعی که آلمان‌ها و اولیاء آلمانی‌مآب رومانی سر کار بودند و زجر و زحمت فوق‌العاده به یهودی‌ها وارد آورده بودند و بیشتر آنها را کشته و دارایی آنها را ضبط و از منازل‌شان بیرون کرده بودند، در چنین مواقعی سفارت سوئد به اندازه‌ای زحمت کشیده و اقدامات نزد آلمان‌ها کرده که به

ایرانی‌ها، حتی یهودی‌های ایرانی کوچک‌ترین اذیت و آزاری وارد نیامد» (همان: سند ۶۰). فروهر بعد از توضیحات در باره اقدامات بی‌نظیر و تحسین‌برانگیز سفارت سوئد، از یک دیپلمات سوئدی نام برده و می‌گوید: «بیشتر این زحمات در نگاهداری جان و مال ایرانی‌ها را آقای Knut Anyou که مخصوصاً از سوئد برای رسیدگی به امور سفارت ایران و حفظ منافع ایرانی‌ها به سمت رئیس بخش B فرستاده شده بود، کشیده است و ایرانی‌ها به قدری از ایشان امتنان کردند و یهودی‌ها مشارالیه را به اندازه‌ای پرستش نمودند که بنده وظیفه خود دانستم مشارالیه را به وزارت امور خارجه شاهنشاهی معرفی کنم تا برای قدردانی چندین ساله از ایشان یک قطعه نشان همایون از درجه سوم به او اعطاء فرمایند» (همان). فروهر متذکر می‌شود که: «اعطاء این نشان نه فقط برای قدردانی از زحمات ایشان خواهد بود، بلکه شرف زیاد و خوش‌وقتی کامل برای کولونی ایرانی در رومانی خواهد آورد و آگاه خواهند شد که دولت به این نحو از کسی که برای آنها زحمت زیاد کشیده و جان و مال آنها را در مواقع خطرناک و بسیار مشکلی حفظ کرده، قدردانی کرده است» (همان).

مسائل کلیمیان ایرانی در بلغارستان

وزارت امور خارجه سوئد به عنوان حافظ منافع ایران در بلغارستان، طی یادداشتی به تاریخ پنجشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۲۲ ش. / ۱۰ ژوئن ۱۹۴۳ م. به نمایندگی ایران در استکهلم اطلاع می‌دهد که دولت بلغارستان قوانینی تصویب کرده که به موجب آن کلیه یهودی‌های ساکن صوفیه باید این شهر را ترک کنند و به شهرهای مختلف که مأمورین دولتی معین کرده‌اند، بروند و به خانواده‌های یهودی اخطار داده شده که ظرف سه روز صوفیه را ترک کنند، در غیر این صورت به اجبار با ترن به لهستان تبعید خواهند شد. از دیدگاه سفارت سوئد در بلغارستان، به سبب آنکه در شهرهای مختلف بلغارستان هیچ‌گونه تدابیری برای اسکان این جمعیت صورت نگرفته بود، ظن قوی است که در نظر دارند تا یهودیان را پس از جمع‌آوری و توقیف در میدان‌های اصلی شهر، نه به شهرهای

بلغارستان که به لهستان تبعید کنند. بدین جهت، سفارت سوئد بلافاصله با مسئولان وزارت خارجه بلغارستان مذاکره کرده و خواستار عدم تبعید یهودیان ایرانی می‌شود و چون مقامات وزارت خارجه بلغارستان نتوانستند قول مساعدی در این باره بدهند، سفارت سوئد «مستقیماً با کمیساریای مخصوص امور مربوط به یهودی‌ها وارد مذاکره و اقدام شده و تقاضا نموده است از مزاحمت اتباع یهودی ایران موقتاً خودداری شود. کمیساریای نامبرده فقط وعده کرده است که برای تسهیل امکان بازرسی احوال یهودی‌های ایرانی آنها را در یک محل در شهرستان‌های بلغارستان سکونت و تمرکز دهند و این موضوع را کمیساریای امور یهودی‌ها به طور اطمینان‌بخشی به سفارت سوئد وعده داده است که یهودی‌های ایرانی در جایی که در شهرستان‌ها برای آنها در نظر گرفته شده جمعاً و با هم اسکان یابند تا سفارت سوئد بتواند به وضعیت آنها رسیدگی و از حال آنها باخبر باشد» (همان: ۶۶- ۷- ۸- ۱۳۲۲ ش.). انصاری نماینده وزارت امور خارجه ایران در سوئد به وزارت خارجه دولت متبوع خود اطلاع می‌دهد که یهودیان ایرانی خارج از بلغارستان تبعید نشدند و اقدام سفارت سوئد موفقیت‌آمیز بود (همان: سند ۳۰).

به رغم اتخاذ تدابیر لازم، ظاهراً تعدادی از خانواده‌های یهودی ایرانی به روسیه تبعید شدند و با این حال، بلافاصله سفارت سوئد در بلغارستان آگاه شده و کلنل برانسون^۱ وابسته نظامی سفارت برای سرکشی و آگاهی از وضعیت آنان اعزام می‌شود. وی در گزارش خود چنین می‌نویسد که: از من خواسته شده که برای بازدید از یهودیان ایرانی و بررسی اوضاع آنان به روسیه بروم. در ۲۷ ماه جون [۱۹۴۳] با دو نفر از افراد پلیس روسیه به دیدار آنان رفت. پلیس مساعدت و اطلاعات لازم را داشته و وی با تمام یهودیان ایرانی ملاقات کرده و از نزدیک از مشکلات آگاه شده جمعاً ۱۳ نفر و دارای لباس و تغذیه خوب بودند، آنان به همراه یهودیان بلغار به روسیه تبعید شده بودند. خواسته آنان این بود گذرنامه ایرانی‌شان تمدید شده و راهی برای بازگشت‌شان به ایران فراهم شود. زندگی در بلغارستان برایشان از آن پس دیگر مقدور نبود، زیرا دولت

^۱. Brunson

بلغارستان با زور یهودیان ایرانی را وادار کرده اموال خود را بفروشد و بلغارستان را ترک کنند و آنان دیگر امکاناتی برای احیاء زندگی و تأمین معاش خود نداشتند (همان: ۱۰۱-۱۰۰ و ۹۸-۷-۸-۱۳۲۲ش).

وزارت خارجه سوئد پس از ارسال گزارش وابسته نظامی خود، متذکر می‌شود که وضعیت یهودیان ایرانی مناسب است، اما چون امکان تأمین مایحتاج خود را در بلغارستان ندارند، لازم است وزارت امور خارجه ایران راهی برای بازگشت آنان فراهم آورد. به نظر آنان ترکیه به سختی ویزا صادر می‌کند، ولی رفتن به استانبول یکی از راه‌ها می‌تواند باشد (همان: سند ۹۵-۹۴).

انصاری مسئول نمایندگی وزارت خارجه ایران در استکهلم به وزارت خارجه دولت متبوع تلگراف کرده و می‌پرسد: «اموال یهودی‌های ایرانی تبعید شده از صوفیه اخیراً حراج شده است، دولت سوئد از طرف دولت شاهنشاهی اعتراض کند یا نه؟ (همان: سند ۷۰). محمدعلی همایون‌جاه معاون وزارت امور خارجه در پاسخ تلگراف می‌نویسد: «چون رفتار دولت بلغار نسبت به یهودیان اتباع ایران و اموال آنها به ملاحظه نژادی برخلاف اصول حقوقی بین‌المللی که مورد قبول و رعایت کلیه دول و ایران است، می‌باشد؛ بنابراین لازم است دولت سوئد از طرف دولت شاهنشاهی اعتراض نماید» (همان: سند ۷۱).

سفارت ایران در استکهلم طی نامه‌ای به وزارت خارجه سوئد اعلام می‌کند که در خصوص فروش اجباری اموال و اخراج یهودیان ایرانی از صوفیه، وزارت امور خارجه سوئد رسماً اعتراض وزارت خارجه ایران را به دولت بلغارستان ابلاغ کرده و در مورد اجحاف ظالمانه آن دولت نسبت به ایرانیان یهودی که مغایر با حقوق بین‌الملل بوده، ابراز ناخرسندی کرده است (همان: سند ۱۱۱).

در مورد بازگشت یهودیان ایرانی از بلغارستان؛ دولت ایران اقداماتی نموده و وزارت کشور ایران به تاریخ ۳/ ۹/ ۱۳۲۲ به وزارت امور خارجه ایران اعلام می‌کند که: «عبور از خاک ترکیه خالی از اشکال نیست و به علاوه مقامات رسمی بلغارستان نیز از دادن روایت به کشورهای که جزو [دول] محور نیستند امتناع دارند و همچنین به علل دیگر، به نظر وزارت

کشور بهتر است به تقاضاکنندگان اعلام شود که فعلاً در محل سکونت خود بمانند تا اینکه وسایل مسافرت فراهم شود» (همان: سند ۱۱۲). سفارت سوئد در صوفیه تا اواسط سال ۱۳۲۶ ش. همچنان به خدمات‌رسانی به ایرانیان در صوفیه پرداخته و بعد از این تاریخ سفارت ایران در بلغراد کار خدمات‌رسانی را برای ایرانیان در صوفیه به عهده می‌گیرد.

مسائل کلیمیان ایرانی در یونان

تعداد کمی یهودی ایرانی در آتن زندگی می‌کردند که سفارت سوئیس در آتن به عنوان حافظ منافع ایران، مسئول حفاظت از آنان گردید. وزارت خارجه سوئیس در گزارشی به تاریخ ۱۹ فروردین ۱۳۲۲ ش. / ۹ آوریل ۱۹۴۳ م. چنین می‌نویسد که: «اشغالگران آلمانی در یونان اقدام به جمع‌آوری یهودیان نموده ظاهراً با قطار اجباراً به لهستان منتقل خواهند شد. نمایندگی سوئیس در یونان در ۲۹ اسفند ۱۳۲۱ ش. / ۲۰ مارس ۱۹۴۳ م. رسماً به دفتر سفیر آلمان نامه نوشته که تعداد قلیلی یهودی ایرانی در آتن سکونت دارند که مورد حمایت سفارت سوئیس هستند و خواستار شدند که آنان را به سمت لهستان اعزام نکنند، مسئولین آلمانی جواب دادند که هنوز دستورالعملی برای این امر نیامده است. مسئولین وزارت خارجه سوئیس خواستار مستثنی کردن یهودی‌های ایران و فراهم‌آوری شرایط مطلوب برای آنان گردیدند (همان: ۵۵ و ۵۴ - ۱۶۷ - ۱۰ - ۱۳۲۴ - ۱۳۲۲ ش.). سفارت ایران در برن طی گزارشی به وزارت خارجه در این باره می‌نویسد: مقامات آلمانی چند نفر از یهودی‌های ایرانی در یونان را به آلمان تبعید کردند و تلاش‌های وزیرمختار سوئیس برای مستثنی کردن آنان به نتیجه نمی‌رسد. مقامات آلمانی به سفارت سوئیس پاسخ دادند که تبعید یهودیان ایرانی نه به سبب یهودی بودن آنها است، بلکه به این سبب است که آنان اتباع کشوری هستند که با آلمان قطع رابطه کرده و اعلان جنگ دادند. سفارت ایران متذکر می‌شود مقامات آلمانی تغییر لحن دادند و این اولین بار هست که نسبت به اتباع ایرانی این چنین برخورد می‌کنند. تغییراتی در داخل آلمان رخ داده و یک جلد معروف به وزارت داخله منصوب شده و بیم آن می‌رود

که آن ملايمتی که سابقاً نسبت به اتباع دولت ايران روا داشتند، تغيير کرده و ايرانيان با مشکلات عديده مواجه شوند (همان: سند ۳۲).

مسائل کليميان ايراني در فرانسه

سوئيس حافظ منافع ايران در فرانسه، جهت حفظ يهوديان ايراني از گزند حوادث، تدابير و تلاش‌های وافری انجام داد. دکتر قدیمی نوایی وزيرمختار ايران در برن به وزارت خارجه ايران اعلام کرد که وزارت خارجه سوئيس گزارش داده است که قوانين ضد يهودی و اجحافات عليه يهوديان در ویشی رو به ازدیاد است. وی در خصوص قوانين ضد يهودی می‌نویسد: «از تاريخ ۱۱ دسامبر ۱۹۴۲ [جمعه ۲۰ آذر ۱۳۲۱] عموم يهودی‌های اتباع بیگانه مکلفند که برگه‌های شناسنامه و خوارباری خود را نزد [مقامات] محلی ارائه داده که کلمه يهود در روی آنها قيد گردد. وزارت خارجه سوئيس می‌نگارد که چون معلوم نیست تا چه اندازه اين مقررات شامل حال يهودی‌های اتباع ايران مقیم فرانسه می‌شود، سفارت آنها [سوئيس] در ویشی از وزارت خارجه فرانسه در اين زمينه توضیحات خواسته و مشغول اقدام است، بلکه بتواند آنها را از اين مقررات معاف دارد و عملاً زیر سرپرستی خود قرار دهد. برآیند به هر جا منتهی شد، بعداً به عرض خواهد رسانید» (همان: سند ۴۰). دکتر قدیمی نوایی در نامه‌ای ديگر به تاريخ ۳۰ بهمن ۱۳۲۱ ش. / ۱۹ فوریه ۱۹۴۳ م. به وزارت خارجه سوئيس در مورد ویژگی‌های يهوديان ايراني می‌نگارد: ايرانيان يهودی که در ايران به دنيا آمده و اجداد آنان ايراني است و در ايران به نام کليمی نام برده می‌شوند و به فارسی صحبت می‌کنند و ابداً زبان عبری و یديش نمی‌دانند و کاملاً جزو جامعه ايراني هستند، به لحاظ جسمانی همانند ديگر ايرانيان هستند و خیلی وطن پرست هستند و همه آنان که در فرانسه اقامت دارند، خواهان بازگشت به ايران هستند، اما دولت ویشی با خروج آنان مخالفت می‌کنند (همان: ۵ و ۴ - ۱۶۱ - ۹ - ۱۳۲۱ - ۱۳۱۸ ش.).

آقای سرداری در تکمیل مطالب دکتر قدیمی نوایی به وزارت خارجه سوئیس می‌نویسد: یهودی‌های ایرانی مهاجر نیستند، بلکه قسمتی از جامعه ایرانی هستند که کاملاً آداب و سنن ایرانیان را رعایت کرده، در عین حال اصول دین حضرت موسی را رعایت می‌کنند. به همین دلیل در ایران به "موسایی" یا "جهود" نامیده می‌شوند. آنان هیچ‌گاه مهاجرت نکردند و با نژاد سامی هیچ اختلاطی ندارند. یهودیان ایرانی به همراه دیگر برادران ایرانی مسلمان خود در حدود سی سال پیش به قصد تجارت در اروپا سکنی گزیدند و همواره ارتباط خود را با اقوام خود در ایران و زادگاه خود قطع ننموده‌اند. آنان هم در ابتدای جنگ همانند دیگر ایرانیان حفظ بی‌طرفی جنگ کردند، متأسفانه دولت ویشی اجازه بازگشت به هیچ ایرانی را نمی‌دهد (همان: سند ۷-۶). سرداری در ادامه، باری دیگر بر ایرانی بودن آنان تأکید کرده و خواستار آن شد: تا زمانی که نمی‌توانند فرانسه را ترک کنند و از قوانین جاری تبعیت می‌کنند با توجه به حضور اجباری، شرایط برای آنان سخت‌تر نشود و همچنین فرمانداری پاریس کلمه "یهودی" را از روی اوراق آنها پاک کند (همان).

وزارت امور خارجه سوئیس طی گزارشی به سفارت ایران در سوئیس به تاریخ ۱۱ فروردین ۱۳۲۲ش. / اول آوریل ۱۹۴۳م. اعلام می‌کند که قانونی در سه شنبه ۳۱ تیر ۱۳۲۰ش. / ۲۲ ژوئیه ۱۹۴۱م. تصویب شد که تمامی مؤسسات یهودی بدون استثناء باید آریایی لیزه شوند. اموال یهودی‌های خارجی باید همچون یهودی‌های فرانسوی فروخته شود (همان: ۵۹-۱۶۷-۱۰-۱۳۲۴-۱۳۲۲ش.). دکتر قدیمی نوایی، وزارت خارجه ایران را از این بابت مطلع نمود. قاسم زاده مشاور حقوقی در نامه‌ای به وزارت خارجه به تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۲۲ش. این اقدامات دولت ویشی را بررسی کرده و می‌نویسد: «موضوع کار اجباری یهودی‌های اتباع ایران مقیم فرانسه باید از دو جهت مورد بررسی واقع گردد؛ یکی از لحاظ قراردادهای منعقد شده بین دولتین ایران و فرانسه و دیگری از حیث اصول و مقررات بین‌المللی» (همان: سند ۴۴-۴۳). به لحاظ تعهدات مندرج در قراردادهای دو جانبه ایران و فرانسه، قاسم زاده معتقد است که: «به موجب ماده دوم قرارداد موقت منعقد شده بین دولتین ایران و فرانسه به تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۰۷ش. / ۱۱

مه ۱۹۲۸م. اتباع هر يك از دولت‌های متعاقد در خاک متعاقد ديگر از كار اجباري و قروض اجباري و ماليات‌های استثنائي معافند. اين قرارداد برای مدت يك سال يعني تا ۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۸ش. / ۱۰ مه ۱۹۲۹م. منعقد گردیده و از آن تاريخ به بعد مواد يكم و دوم آن چندین بار، شش ماه به شش ماه تجديد شده بود، ولی اکنون به واسطه عدم تجديد بعدی، اجرای اين تعهد بلااثر شده و دولت ايران نمی‌تواند به استناد قرارداد نامبرده از دولت ویشی تقاضا کند که يهودی‌های اتباع ايران را از كار اجباري معاف نماید» (همان). بنابراین، چون قراردادهای دو جانبه تمديد نشده بود، راهی ديگر پيگیری شد و آن هم از طريق استناد به اصول و قواعد بين‌المللی. به نظر قاسم‌زاده «دولت متوقف‌فيها [دولت ویشی] می‌تواند اتباع بيگانه را وادار به کارهای اجباري بنماید مشروط بر اینکه پيمان‌های منعقدہ فيما بين آنها را از اين کارها معاف نکرده باشند. در صورت نبودن پيمان، کارهای اجباري متعهد به اتباع دولت‌های بيگانه تابع همان شرايط و مقرراتی است که نسبت به اتباع داخله معمول و مرعی می‌باشد، به عبارت ديگر در باره اتباع بيگانه كار اجباري را فقط در صورتی می‌توان معمول داشت که دولت متوقف‌فيها آن را نسبت به اتباع خود مجرا داشته باشد، به علاوه دولت متوقف‌فيها مکلف است كار اجباري را بدون تبعيض نسبت به اتباع تمام دول بيگانه (در صورت نبودن قرارداد) معمول و مجرا دارد» (همان). قاسم‌زاده شرايط را در دولت ویشی متفاوت می‌داند و می‌نويسد: «به طوری که از پرونده امر استنباط می‌شود، در فرانسه كار اجباري شامل اتباع داخله [فرانسه ویشی] نیست و از طرفی هم دولت فرانسه فقط قسمتی از اتباع بيگانه را به ملاحظات نژادی (که تشخيص و تميز آن خارج از موقعیت يك دولت بيگانه است) مشمول كار اجباري دانسته و ساير بيگانگان را از كار نامبرده معاف داشته است؛ از اين رو دولت ايران محق است اين عمل دولت فرانسه را مخالف اصول بين‌المللی دانسته و از دولت مشارالیها [فرانسه ویشی] معافیت يهودی‌های اتباع ايران را درخواست نماید» (همان). محمدعلی همایون‌جاه معاون وزارت امور خارجه، طی دستورالعملی به سفارت ايران در سوئیس به تاريخ ۱۹ خرداد ۱۳۲۲ش. / ۱۰ جون ۱۹۴۳م. بررسی‌های حقوقی قاسم‌زاده را برای سفارت تشریح کرده و با توجه به اين ادله حقوقی سفارتخانه را مکلف می‌کند که: «به وزارت خارجه سوئیس خاطر نشان نمائيد

که سفارت خودشان در ویشی را به نکات مزبور متوجه و دستور مکفی برای اقدام در معاف داشتن یهودی‌های اتباع ایران صادر نمایند» (همان: ۳۸ و ۳۷ - ۱۶۷ - ۱۰ - ۱۳۲۴ - ۱۳۲۲ ش.). در این اثناء در تاریخ ۹ تیر ۱۳۲۲ ش. / ۳۰ جون ۱۹۴۴ م. وزارت خارجه سوئیس به سفارت ایران در برن اطلاع می‌دهد که دولت سوئیس از طریق نمایندگی خود در برلین مطلع شده است که چهار کلیمی ایرانی در بازداشتگاه درانسی^۱ محبوس هستند (همان: سند ۹). سفارت ایران در سوئیس طی گزارشی به وزارت امور خارجه ایران می‌نویسد: دولت ویشی بنا به درخواست مقامات آلمانی در ویشی ۲۱ و ۲۲ ژانویه ۱۹۴۴ / جمعه ۳۰ دی و شنبه اول بهمن ۱۳۲۲ کلیه یهودیان خارجی مقیم فرانسه را بدون استثناء بازداشت و به اردوی کار درانسی اعزام و منازل آنها را مهر و موم کردند. اما نمایندگی سوئیس بعد از ملاقات با مقامات آلمانی اطمینان حاصل کردند که کسانی دارای اوراق و مدارک صحیح و درست باشند، به اردوی سنت دنیس^۲ و کومپین^۳ و ویتتل^۴ هدایت خواهند شد (همان). با این همه، سفارت ایران در برن پی‌گیر اتباع یهودی بوده و می‌نویسد: «در دنباله اقدامات پیشین خود توسط وزارت امور خارجه سوئیس اقدامات خود را پی و تأکید لازم نموده تا بلکه یهودی‌های اتباع ایران را از این مقررات مستثنی و آنها را آزادی بخشند. البته برآیند اقدامات به هر جا منتهی شد به عرض وزارت امور خارجه خواهد رساند» (همان). بدین طریق سفارت ایران در برن از طریق کشور حافظ منافع ایران در فرانسه یعنی دولت سوئیس، اوضاع یهودیان ایرانی را رصد و پیگیری می‌کرد.

نتیجه

با مراجعه به اسناد موجود در آرشیو وزارت امور خارجه ایران به دو نکته می‌توان پی برد. نکته اول: ایران پس از اشغال توسط متفقین، علیرغم اینکه سازمان و تشکیلات دولتی کشور از هرج و مرج، ضعف و فقدان نظم و ترتیب رنج می‌برد، اما در بخشی از تشکیلات

1. Drincy

2. St. Denis

3. Compiègne

4. Vittel

دولتي يعني وزارت امور خارجه، از آگاهي و هوشياري و توانمدي برخوردار بود و ضعف و بي‌نظمي ديگر بخش‌هاي تشکيلات دولتي به اين وزارتخانه تعميم نيافته بود. وجود نيروي انساني توانمند و هوشيار کمک مي‌کرد که وزارت امور خارجه به وظيف و مأموريت‌هاي خود با وجود مشکلات فراوان ادامه دهد. نکته دوم آن است که به رغم تبليغات و تحليل‌هاي سال‌هاي اخير، حفظ و مراقبت از اتباع يهودي ايراني در فرانسه و هر نقطه از اروپا، اقدامي اتفاقي و شخصي نبوده است، بلکه اين وظيف کاملاً حساب شده از طريق وزارت امور خارجه ايران و با ارسال دستورالعمل‌هايي به سفارتخانه‌هاي ايران در سوئد و سوئيس هدايت و راهبري مي‌شد. بر اين اساس، حفاظت از اتباع ايراني به ويژه کليميان، کاري جمعي و مسئوليتي جمعي بود و نمي‌توانست ابتکار و اقدام شخصي باشد.

منابع و مأخذ

اسناد:

- آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، شماره شناسنامه ۲۹۰۰۰۲۳۹/۲۹۰۰۰۲۱۳۷/۲۹۰۰۰۲۲۲۸
- آرشیو مرکز اسناد وزارت امور خارجه
- سال ۱۳۲۲ ش.، کارتن ۷-۸-۷- پوشه ۷- سندهای ۱۷-۱۶-۱۵-۳-۲-۱۱۲-
 - ۱۱۱-۱۰۱-۱۰۰-۹۸-۹۵-۹۴-۸۱-۷۱-۷۰-۶۶-۳۱-۳۰-۲۹
 - سالهای ۱۳۲۴-۱۳۲۲ ش.- کارتن ۱۰- پوشه ۱۶۷- سند ۵۹-۵۵-۵۴-۵۲-
 - ۵۱-۴۴-۴۳-۴۰
 - سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۱ ش.- کارتن ۵۹- پوشه ۹۰۹- سند ۵۳
 - نمایندگی بخارست، سالهای ۱۳۲۵-۱۳۲۱ ش.- کارتن ۵۹- پوشه ۹۰۹- سند ۶۰
 - سالهای ۱۳۲۱-۱۳۱۸ ش.- کارتن ۹- پوشه ۱۶۱- سند ۷-۶-۵-۴
 - نمایندگی برن، سالهای ۱۳۲۴-۱۳۲۲ ش.- کارتن ۱۰- پوشه ۱۶۷- سند ۳۸-
- ۹-۳۷

سایت‌ها:

- سایت بی بی سی فارسی، ۳۰ آذر ۱۳۹۰
- سایت روز آنلاین، ۳۰ اسفند ۱۳۹۰